



مذمت حقوق

دوره ۵ - شماره ۱۰ - بهار ۱۴۰۱

شماره چاپی: ۱۸۴۱ - ۳۷۸۳
شماره الکترونیکی: ۱۹۲۲ - ۳۷۸۳

- مسئولیت مدنی کارشناس رسمی دادگستری در حقوق ایران و فرانسه با تاکید بر رویه قضایی حسن بادینی، سپیده راضی، محمد مهدی پور
- همدلی‌های سعدی شیرازی با آموزه‌های حقوق عمومی مدرن مجید نجارزاده هنجنی
- حمایت کیفری از حق بر محیط‌زیست شیما نادری، مجید مطلبی
- تبیین نقش جامعه مدنی در تحقق حقوق شهروندی فرزانه دشتی، عبدالکریم شاحیدر
- آثار افزایش سرمایه شرکت‌های سهامی در حقوق ایران و آمریکا افشین مجاهد
- چالش‌های قضایی مقابله با جرایم زیست محیطی در حقوق کیفری ایران اسماعیل کشکولیان، عباس شیخ الاسلامی
- رویکرد حقوق هوایی بین‌المللی نسبت به مسئولیت ناشی از نشر ویروس کرونا در حمل و نقل هوایی یگانه سادات صفوی
- آثار قراردادهای دولتی در حقوق ایران و انگلستان محمدرضا پورپور
- میانجیگری، نظام عدالت مشارکتی، نسل سوم نظام عدالت کیفری و حقوق اطراف دعوا صادق فتیلی، سید محمد صالحی
- ارزش و اعتبار نظریه کارشناسی در حقوق ایران و فرانسه سید جعفر هاشمی باجگانی، میثم سبحانی
- رویکرد سیاستگذاری‌های زیست محیطی در کاهش مخاطرات؛ راهبردها و رهیافت‌ها زهرا طلیعه علیا، داوود خرم دل
- قواعد فقهی کارا در مسئولیت اتلاف عمر اشخاص حمید سلیمانی، رحیمه عباسی بناری
- نقش نهادهای سازمان ملل متحد در پیشگیری از آلودگی‌های محیط زیستی ناشی از پسماندها به منزله امنیت زیست جهانی رستم علی اکبری، سید مهدی موسوی
- مبانی تصحیح قراردادهای غیرمعمود با تمسک به اطلاقات و عمومات شرعی سید علیرضا امین
- فناوری‌های نوین باروری-زیستی و حقوق کودک؛ درآمدی بر آینده کودکی در ایران مریم شعبان
- آسیب شناسی کیفرگذاری موجود در جرایم خانوادگی موضوع کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵؛ از تبیین آسیب‌ها تا ارائه راهکارها مهدی مقفری اناری، محمد امینی زاده، علی عارفی مسکونی
- مجرای اصل صحت در معاملات با تاکید بر امکان جریان آن در شبهات حکمیة مانده چینی ساز، امید محمدی، قاسم شعبانی
- پیرامون نظریه بطلان تحقیقات مقدماتی در فرآیند دادرسی کیفری ایران (با توجه به قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۰۴) مسعود فدائی دهچشمه، امیر سلیمانی، حمیرا طاهری
- تأملی بر قانون حاکم بر تعهدات قراردادی عقد بیمه در ایران و ایالات متحده آمریکا فرزاد گرمی کلمتی، حامد بابانی
- بررسی تأسیس بیلمنت در نظام حقوقی انگلستان، ایالات متحده آمریکا و تطبیق آن با نهاد امانت در حقوق ایران نسترن ارزانیان، مهساسادات نبوی
- معیار تفکیک جرم آدم‌ربایی از جرایم مشابه در نظام کیفری ایران احمدرضا امتحانی، جواد نادری عوج بغزی، علی پاپدارفرد
- درآمدی بر اصول و موانع استرداد مجرمین در حقوق بین الملل رضا علی پناه
- آثار کرونا بر عدالت کیفری اطفال و نوجوانان با نگاهی به حقوق ایالات متحده آمریکا پیمان دولتخواه پاشاکی
- جلوه‌های تغییر در سیاست کیفری افتراقی جرائم نیروهای مسلح ایران و ایالات متحده آمریکا با روش کیفرزدانی و جرم زدایی یاسر شاکری، علیرضا صالحی، غلامحسین رضایی



The Effects of Increasing the Capital of Joint Stock Companies in Iranian and American Law

آثار افزایش سرمایه شرکتهای سهامی در حقوق ایران و آمریکا

Afshin Mojahed

PhD Student in Private Law, Islamic Azad University, Meybod Branch, Lecturer, Islamic Azad University, Yazd Branch, Yazd, Iran

افشین مجاهد

دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد میبد، مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد یزد، یزد، ایران

mojahedafshin859@gmail.com

<https://orcid.org/0000-0003-3187-9559>

Abstract

Capital is one of the most important special effects in the field of trade, commercial companies, especially joint stock companies, which have a special place in business relations, and as a result of the development of companies, competition and efforts to make more profit become more intense day by day. Accordingly, one of the most important issues in relation to the capital of joint stock companies is the issue of capital increase. Because it is a kind of opening the doors to the capital market and creating mobility. In Iranian law, the need to increase capital is one of the things that requires a report from the board of directors, and the company's inspector or inspectors must also approve the report. In this case, it is the responsibility of the Extraordinary General Assembly to decide on this. Under US law, the decision to raise capital is within the authority of the board of directors, however, the company's articles of association can be formulated so that the decision to raise capital rests with the shareholders and the general assembly, although the basic premise is that only the board of directors decides to raise capital. With the increase of capital and with the improvement of the liquidity situation and the increase of the financial capacity, it is possible to expand the activity of the company, in a way that makes the companies needless to borrow and receive loans and facilities from banks.

Keywords: Capital Increase, Joint Stock Company, Capital, Stocks, Board of Directors.

چکیده

سرمایه یکی از مهم‌ترین جلوه‌های ویژه در حوزه تجارت، شرکتهای تجاری و خصوصاً شرکتهای سهامی است که جایگاهی خاص و ویژه را در روابط تجاری به خود اختصاص داده و در نتیجه توسعه شرکتهای، رقابت و تلاش برای کسب سود بیشتر روز به روز شدیدتر می‌شود. بر این اساس یکی از مسائل مهمی که در رابطه با سرمایه شرکتهای سهامی مطرح می‌گردد، بحث افزایش سرمایه و به نوعی باز کردن درها به روی بازار سرمایه و ایجاد تحرک است. در این پژوهش به بررسی این موضوع می‌پردازیم که آثار افزایش سرمایه شرکت سهامی در حقوق ایران و آمریکا به چه شکلی نمود عینی داشته است؟ در حقوق ایران، لزوم افزایش سرمایه از مواردی است که گزارش هیئت‌مدیره را می‌طلبد و بازرس یا بازرسان شرکت نیز می‌بایست گزارش مزبور را تأیید نمایند. در این صورت بر عهده مجمع عمومی فوق‌العاده است که در این باره اتخاذ تصمیم نماید. در حقوق آمریکا صلاحیت تصمیم‌گیری جهت افزایش سرمایه در حیطه اختیارات هیئت‌مدیره می‌باشد، باین‌حال می‌توان اساسنامه شرکت را به نحوی تنظیم نمود که تصمیم‌گیری جهت افزایش سرمایه بر عهده سهامداران و مجمع عمومی فوق‌العاده باشد، هرچند اصل اولیه این است که فقط هیئت‌مدیره قدرت تصمیم‌گیری جهت افزایش سرمایه را دارد. در نتیجه با افزایش سرمایه و با بهتر شدن وضعیت نقدینگی و افزایش توان مالی امکان گسترش فعالیت شرکت فراهم می‌شود، به نحوی که شرکتهای را از استقرار و دریافت وام و تسهیلات از بانکها بی‌نیاز می‌گرداند.

واژگان کلیدی: افزایش سرمایه، شرکت سهامی، سرمایه، سهام، هیئت‌مدیره.

Received: 2021/01/15 - Review: 2022/03/14 - Accepted: 2022/06/09

دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۱/۲۵ - بازنگری مقاله: ۱۴۰۱/۰۱/۲۴ - پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۰۳/۱۹

ارجاع:

مجاهد، افشین؛ (۱۴۰۱)، آثار افزایش سرمایه شرکت‌های سهامی در حقوق ایران و امریکا، تمدن حقوقی، شماره ۱۰.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s) , with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>) , which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



CC BY-NC-SA



مقدمه

امروزه تأسیس شرکت‌های سهامی نقش بسیار مهم و سازنده‌ای در توسعه اقتصادی کشورها ایفا می‌نمایند. بسیاری از فعالیت‌های صنعتی، تولیدی و خدماتی در زمینه‌های انرژی، صنایع خودروسازی، پتروشیمی، الکترونیک، کشاورزی، هواپیما و کشتی‌سازی و صنایع مشابه که ایجاد آن‌ها به دلیل نیاز به سرمایه انباشته و کلان از توان افراد معدود خارج است. با جمع‌آوری سرمایه‌های اندک مردم و تأسیس شخصیت‌های حقوقی در قالب شرکت سهامی ایجاد می‌شود. از یک طرف سرمایه عامل استمرار حیات حقوقی شرکت‌های سهامی است و نبود سرمایه، این شرکت‌ها را با خطر ورشکستگی مواجه خواهد ساخت و هر اندازه سرمایه شرکت‌های سهامی بیشتر باشد؛ شرکت به همان اندازه در جلب مشتری؛ در کسب اعتبارات و تسهیلات از بانک‌ها و مؤسسات اعتباری؛ در سهولت انعقاد قرارداد با طرف‌های مقابل و جلب اعتماد آنان و حتی در عرصه رقابت با رقبای خود، موفقیت بیشتری خواهد داشت و از سوی دیگر سرمایه وثیقه طلبکاران شرکت است. در ایران شرکت‌های سهامی به‌عنوان رایج‌ترین شرکت‌های تجاری در عرصه فعالیت‌های بازرگانی و یکی از شاخص‌ترین انواع شرکت‌های سرمایه در حقوق تجارت شناخته می‌شوند. با این حال دلایل تعیین حداقل سرمایه برای شرکت‌های سهامی عام و خاص و عدم انطباق مبالغ آن با اوضاع اقتصادی کنونی و نیز سایر ابعاد حقوقی و اقتصادی سرمایه در شرکت‌های سهامی کمتر مورد توجه و بررسی قرار گرفته است (اخلاقی و همکاران، ۱۳۸۳، ۲۰۷).

بحث تغییر سرمایه در شرکت‌های سهامی بسیار مهم بوده و به‌ندرت می‌توان شرکتی را یافت که در

طول حیاتش اقدام به افزایش یا کاهش ننموده باشد. علل اقتصادی، مالی و تجاری گوناگون سبب می‌شود که شرکت‌های سهامی اقدام به افزایش سرمایه نمایند از جمله این عوامل می‌توان به گسترش حوزه جغرافیایی و افزایش حجم فعالیت‌ها، پاسخ‌گونی‌بودن سرمایه اولیه شرکت و نیاز به بالا بردن این سرمایه، تبدیل شرکت‌های سهامی عام به خاص و تبدیل ذخائر اختیاری به سرمایه شرکت اشاره نمود. افزایش سرمایه کارکردی دوگانه دارد، از جمله اینکه بستر لازم برای تأمین مالی از سایر روش‌ها از جمله بدهی‌ها را فراهم می‌کند به این ترتیب که بسیاری از اعتباردهندگان شرط اعطای اعتبار را برخورداری از حداقل نسبت مالکانه می‌دانند. از دیگر کارکردهای افزایش سرمایه، شفافیت اطلاعات مندرج در صورت‌های مالی است. در شرایط تورمی تجدید ارزیابی دارایی‌ها در راستای شفافیت و مربوط شدن اطلاعات حسابداری صورت می‌گیرد و عمده مبالغ تجدید ارزیابی نیز به حساب افزایش سرمایه منظور می‌شود که این عمل به واقعی شدن بخش حقوق صاحبان سهام می‌انجامد. اهمیت بحث افزایش سرمایه به گونه‌ای است که هم قانون‌گزاران و هم نهادهای نظارتی از جمله سازمان بورس و اوراق بهادار و غیره حساسیت لازم را در این خصوص داشته و تدابیر و الزامات لازم را در این خصوص اندیشیده‌اند (جوانمرد و همکاران، ۱۳۹۸، ۱۴۶). در حقوق ایران مواد ۱۵۷ الی ۱۸۸ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ و ماده ۲۲۲ قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ به بحث افزایش سرمایه اختصاص داده شده است. در حقوق امریکا بحث افزایش سرمایه در قانون جامع شرکت‌های ایالت دلاور^۱ که مهم‌ترین قانون در زمینه شرکت‌ها بوده مطرح است و با انتقال تمام یا بخشی از حساب مازاد شرکت به حساب افزایش سرمایه، سرمایه قانونی افزایش می‌یابد و تصمیم‌گیری در خصوص افزایش سرمایه به عهده هیئت‌مدیره است. با توجه به ماهیت موضوع، پژوهش حاضر از لحاظ هدف، کاربردی، از لحاظ روش تحقیق، به صورت نظری است و روش گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای بوده و روش تجزیه و تحلیل و جمع‌بندی به صورت توصیفی خواهد بود.

۱- آثار افزایش سرمایه شرکت‌های سهامی در حقوق ایران

تغییرات سرمایه، نقش اساسی در توسعه فعالیت‌های شرکت دارد و موجب گسترش یا محدود شدن موضوع فعالیت شرکت خواهد شد. با افزایش سرمایه و با بهتر شدن وضعیت نقدینگی و افزایش توان مالی، احتمال و امکان گسترش فعالیت شرکت فراهم می‌شود. به نحوی که شرکت‌ها از استقراض و دریافت وام

و تسهیلات از بانک‌ها و انتشار اوراق بهادار بی‌نیاز می‌گردند. اینکه شرکت باید دارای سرمایه اختصاصی باشد امری است که در مورد همه شرکت‌ها، از جمله شرکت سهامی صادق است، ولی در شرکت سهامی سرمایه اهمیت خاصی دارد و به قول یکی از اساتید حقوق، شرکت‌های سهامی نمونه بارز شرکت‌های سرمایه هستند که سرمایه در آن‌ها محوریت داشته و سرمایه چیزی است که طلبکاران می‌توانند روی آن حساب کنند و صاحبان سهام آن را در شرکت گذاشته‌اند که وثیقه پرداخت دین شرکت به اشخاص ثالث باشد و به عبارتی سرمایه ما به ازای مسئولیت محدود شرکاست (پاسبان، ۱۳۸۹، ۶۵). عوامل مهمی مانند افزایش سطح عمومی قیمت‌ها (تورم) و نوسانات نرخ ارز باعث می‌شود سرمایه مورد نیاز برای انجام فعالیت‌های کنونی چندین برابر سرمایه مورد نیاز در سال‌های قبل باشد. شرکت‌های سهامی مستقر در ایران، به کرات اقدام به افزایش سرمایه می‌نمایند. در طرح‌های توجیهی اهداف افزایش سرمایه، مهم‌ترین اهداف مشترک بین افزایش‌های پی در پی سرمایه هر شرکت و همچنین بین شرکت‌های مختلفی که اقدام به افزایش سرمایه نموده‌اند؛ اصلاح ساختار مالی (نسبت مالکانه)، تأمین سرمایه در گردش، افزایش ظرفیت تولید و بهبود ثروت سهامداران ذکر شده است (جوانمرد و همکاران، ۱۳۹۸، ۱۴۷).

قانون حداقل سرمایه شرکت‌های سهامی را تعیین نموده و پیش‌بینی کرده در موارد خاصی و با تشریفات قانونی ویژه‌ای می‌توان سرمایه شرکت را افزایش یا کاهش داد، بدون آن که در هیچ موردی بتوان سرمایه شرکت را پایین‌تر از حداقل قانونی معین کرد (مواد ۱۵۷ به بعد لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷). این امر، در واقع همان اصل لزوم ثابت ماندن سرمایه یا غیرقابل برداشت بودن آن است که در خصوص شرکت سهامی به‌صراحت پیش‌بینی شده است. مفهوم اصل مذکور این نیست که سرمایه نقدی شرکت در هر زمان باید به همان میزان باشد که در زمان تأسیس بوده است چراکه سرمایه همیشه در یک سطح باقی نمی‌ماند و در حال گردش است بلکه به این معناست که مبلغ سرمایه باید همیشه در بیلان به‌عنوان یکی از اقلام بدهی شرکت نوشته شود و نمی‌توان به‌عنوان سود، تمام یا قسمتی از آن را میان صاحبان سهام تقسیم کرد. گاهی هزینه تأمین مالی به‌ویژه وام‌های مؤسسات مالی خصوصی مستلزم تأمین هزینه بهره بسیار سنگین است که می‌تواند در شرایط بد اقتصادی تداوم شرکت را با مخاطره مواجه سازد. لذا با افزایش سرمایه توان مالی شرکت برای پرداخت دیون نیز افزایش یافته و شرکت قادر می‌شود با تقویت مالی ایجاد شده در زمان کمتر و با موانعی کمتر دیون خود را که در شرایط بد مالی برای شرکت ایجاد شده است به‌راحتی پرداخت نماید. از سوی دیگر

افزایش سرمایه گاهی در کاهش بدهی‌های شرکت مؤثر است، هرگاه افزایش سرمایه از طریق تبدیل مطالبات حال شده سهامداران عملی گردد، این اقدام، مطالبات شرکت را کاهش داده و ساختار مالی مناسبی برای شرکت و ترازنامه آن ایجاد می‌کند و همچنین با افزایش سرمایه تعهدات شرکت نیز افزایش می‌یابد. به‌طور کلی از دیگر آثار تغییرات سرمایه می‌توان به تأثیر تغییرات سرمایه در استحکام موقعیت مالی و افزایش توان معاملاتی، برنامه‌ریزی سهامداران و افزایش انگیزه‌های خروج و ورود آنان پس از این تغییرات، واگذاری میدان به رقبای مدیریت بهینه‌داری‌ها و با استفاده یا از دست‌دادن فرصت‌ها، ترغیب خریداران سهام و سرمایه‌گذاران و همچنین در ورود به شرکت رقیب اشاره نمود. اگر شرکت در وضعیت خوبی باشد و فعالیت‌هایش بسیار سودآور باشد، برای کسب سود بیشتر و انجام اقدامات مهم‌تر و گسترده‌تر سرمایه بیشتری داشته باشد، می‌تواند سرمایه‌اش را با صدور سهام جدید افزایش دهد و احتیاجاتش را برآورده نموده و همچنان با دیگر بازیگران صحنه تجارت رقابت کند (عرفانی، ۱۳۸۷، ۶۲) و (ستوده تهرانی، ۱۳۹۸، ۲۳۷).

گاهی شرکت تعهداتی نموده و سرمایه موجودش برای ایفای این تعهدات کافی نیست مثلاً شرکت مقاطعه کاری جدیدی را در زمینه راه‌سازی قبول نموده است و برای اجرای تعهداتش نیاز به خرید ماشین آلات جدید و استخدام کارکنان و ایجاد شعبه در مناطق مختلف دارد، در این حالت شرکت می‌تواند به افزایش سرمایه مبادرت ورزد تا هم نیازش را برطرف نماید و هم اعتبارش بیشتر گردد و وثیقه طلبکاران افزایش یابد. شرکت ممکن است به جای تقسیم ذخایر خود بین صاحبان سهام، آن را به سرمایه شرکت تبدیل کند. در واقع شرکتی که دارای ذخایر زیادی است می‌تواند به عوض تقسیم این ذخایر بین سهامداران، آن‌ها را به سرمایه تبدیل کرده و هم وضعیتش را تحکیم نماید و هم اعتبارش را افزایش دهد، به‌خصوص ذخایری که مخفی بوده‌اند و در ترازنامه شرکت منظور نشده است و در اثر تنزل ارزش پول دارایی واقعی شرکت بیش از سرمایه اسمی می‌شود و به همین دلیل با دوباره ارزیابی نمودن اموال شرکت اعم از منقول و غیرمنقول ذخیره‌ای نمایان می‌شود که شرکت می‌تواند آن‌ها را به سرمایه تبدیل کند یعنی سرمایه اسمی‌اش را به اندازه سرمایه واقعی خود افزایش دهد (صقری، ۱۳۹۳، ۶۵۲).

با افزایش سرمایه و ورود آورده‌های جدید به شرکت، سرمایه سهامداران افزایش یافته، قدرت تصمیم‌گیری بیشتر شده و زمینه تملک فراهم خواهد شد. از سوی دیگر در جایی که مدیریت و مالکیت به هم پیوند خورده است دغدغه تغییر مدیریت می‌تواند موجب عدم تمایل مدیران به افزایش سرمایه برای

حفظ شغل و موقعیت خود باشد، چراکه تغییرات سرمایه در اینجا موجب نگرانی از دست دادن شرکت سهامی و عاملی محدودکننده برای فعالیت‌های آن محسوب می‌شود. چنانچه افزایش سرمایه با سلب حق تقدم انجام شود و یا در مواردی که پاره‌ای از سهامداران توان مالی شرکت در افزایش سرمایه را ندانند و یا به نحوی از اطلاع‌رسانی انجام شده غفلت ورزیده و یا آگاه نشوند و در جایی که انگیزه کافی برای شرکت در افزایش سرمایه به دلیل وخامت وضع شرکت وجود نداشته باشد افزایش سرمایه می‌تواند در ترکیب و تغییر آراء سهامداران مؤثر باشد. طبق ماده ۱۶۵ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷، افزایش سرمایه مشروط بر این است که تمام سرمایه قبلی شرکت تأدیه شده باشد و مادام که این امر تحقق پیدا نکرده باشد، افزایش سرمایه به هیچ یک از طرق مقرر در قانون میسر نیست. در واقع این اولین شرط افزایش سرمایه است که البته در صورتی منطقی است که شرکت فقط به قصد کسب سرمایه بیشتر بخواهد اقدام به افزایش سرمایه نماید و مطمئناً نیاز واقعی آن‌گاه احساس می‌شود که تمامی سرمایه شرکت تأدیه شده باشد ولی تکافوی فعالیت‌های شرکت را ندهد، اما اگر قصد شرکت کسب سرمایه بیشتر نباشد و امر دیگری باشد مثلاً وارد نمودن کارکنان به داخل شرکت به‌عنوان سهامدار یا شریک نمودن مالک زمینی که مورد نیاز شرکت است، دیگر چنین شرایطی لازم نخواهد بود و فقط مانعی است در راه تحصیل اهداف مورد نظر شرکت و هیچ توجیه منطقی برای چنین شرطی نخواهد بود. افزایش سرمایه، در اصلاح ساختار مالی شرکت مؤثر است. در واقع با افزایش سرمایه، برنامه ریزی‌های مالی در جهت بهبود قرار خواهند گرفت. در صورتی که شرکتی به دلیل زیان بالا با مشکل در تداوم فعالیت مواجه باشد افزایش سرمایه موجب اصلاح ساختار مالی شده و حیات اقتصادی دوباره به شرکت بازمی‌گرداند. مواقعی که شرکت تصمیم به افزایش سرمایه خود می‌گیرد تجمع اندوخته‌های شرکت ممکن است به بالا رفتن قیمت سهم در بازار کمک کند. در این گونه موارد افزایش قیمت، ارتباط مستقیم با نحوه افزایش دارد. در بورس‌هایی که معاملات سهام، توسعه لازم را یافته و اکثر سهام شرکت به صورت فعال مورد معامله قرار می‌گیرند، قیمت سهم پیش از اعطای مزایا به سطحی می‌رسد که با قیمت بعد از اعطای مزایا به علاوه ارزش این مزایا، تغییر چندانی نمی‌نماید. در بورس اوراق بهادار تهران نیز سهام فعالی که مرتباً معاملات روی آن‌ها انجام می‌شود، تقریباً دارای همین وضع است. در شرایط ثابت و مساوی، قیمت پیش از پرداخت سود و بعد از پرداخت سود متفاوت خواهد بود. همچنین پرداخت مزایایی

۲- ماده ۱۶۵: مادام که سرمایه قبلی شرکت تماماً تأدیه نشده است افزایش سرمایه شرکت تحت هیچ عنوانی مجاز نخواهد بود.

از قبیل حق تقدم و سهام مجانی نیز به این نحو است (شهرآبادی و بشیری، ۱۳۸۹، ۱۳). طبق ماده ۱۶۱ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷، افزایش سرمایه شرکت منحصرأ در صلاحیت مجمع عمومی فوق‌العاده است و طبق ماده ۱۶۴ همان لایحه اساسنامه شرکت نمی‌تواند اختیار افزایش سرمایه را به هیئت‌مدیره بدهد. طبق تبصره یک ماده ۱۱۶ همان لایحه تنها پس از اینکه مجمع عمومی فوق‌العاده در خصوص افزایش سرمایه تصمیم گرفت می‌تواند اختیار تعیین شرایط فروش سهام و پرداخت قیمت آن را به هیئت‌مدیره بدهد. طبق ماده ۱۶۱ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷، مجمع عمومی فوق‌العاده نمی‌تواند در مورد افزایش سرمایه تصمیم‌گیری کند، مگر اینکه هیئت‌مدیره پیشنهاد افزایش سرمایه شرکت را بدهد. چنین پیشنهادی از طرف هیئت‌مدیره باید لزوم افزایش سرمایه را توجیه کند. علاوه‌براین بازررس یا بازرسان شرکت باید در خصوص پیشنهاد هیئت‌مدیره گزارشی تهیه کنند و به مجمع عمومی فوق‌العاده ارائه دهند. خلاصه آن که شرکت‌های سهامی در برخی موارد بنا به تکلیف قانون می‌بایست نسبت به افزایش سرمایه خود اقدام نمایند که از آن تحت افزایش سرمایه اجباری تعبیر می‌نمایند.

افزایش سرمایه اجباری در دو حالت که در مواد ۵^۱ و ۶۱^۲ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ مقرر شده است و در صورتی که سرمایه شرکت بعد از تأسیس به هر علت از حداقل قانونی مذکور در ماده ۵ لایحه مذکور کمتر شود و همچنین در صورتی که اوراق قرضه قابل تعویض با سهام شرکت منتشر نمایند که حکم آن در ماده ۶۱ لایحه مذکور آمده است، در غیر از موارد فوق شرکت‌های سهامی می‌توانند هر وقت که مایل باشند با رعایت مقررات قانونی نسبت به افزایش سرمایه خود اقدام نمایند که از آن به افزایش اختیاری سرمایه تعبیر می‌شود. طبق مقررات ماده ۱۵۷^۳ لایحه

۳- ماده ۵: در موقع تأسیس سرمایه شرکت‌های سهامی عام از پنج میلیون ریال و سرمایه شرکت‌های سهامی خاص از یک میلیون ریال نباید کمتر باشد. در صورتی که سرمایه شرکت بعد از تأسیس به هر علت از حداقل مذکور در این ماده کمتر شود باید ظرف یک سال نسبت به افزایش سرمایه تا میزان حداقل مقرر اقدام به عمل آید یا شرکت به نوع دیگری از انواع شرکت‌های مذکور در قانون تجارت تغییر شکل یابد و گرنه هر ذینفع می‌تواند انحلال آن را از دادگاه صلاحیتدار درخواست کند. هر گاه قبل از صدور رأی قطعی موجب درخواست انحلال متفی گردد دادگاه رسیدگی را موقوف خواهد نمود.

۴- ماده ۶۱: اوراق قرضه ممکن است قابل تعویض با سهام شرکت باشد در این صورت مجمع عمومی فوق‌العاده باید بنا به پیشنهاد هیأت مدیره و گزارش خاص بازرسان شرکت مقارن اجازه انتشار اوراق قرضه افزایش سرمایه شرکت را اقلأ برابر با مبلغ قرضه تصویب کند.

۵- ماده ۱۵۷: سرمایه شرکت را می‌توان از طریق صدور سهام جدید و یا از طریق بالابردن مبلغ اسمی سهام موجود افزایش داد.

مذکور، شرکت‌های سهامی از دو راه اساسی به منظور افزایش سرمایه خود در موارد اجباری یا اختیاری می‌توانند استفاده نمایند که عبارت از صدور سهام جدید و بالابردن مبلغ اسمی سهام موجود است. شیوه‌های مختلف تأمین مالی افزایش سرمایه از طریق صدور سهام جدید نیز در ماده ۱۵۸^۶ لایحه مذکور آمده است. قانون‌گذار برای اطلاع عموم و به طبع اطلاع شرکا از تصمیم مجمع عمومی در مورد افزایش سرمایه انتشار برخی آگهی‌های راجع به تصمیم مزبور را ضروری تلقی نموده است. مواد ۱۶۹^۷ و ۱۷۰^۸ لایحه مذکور، مواردی را که باید درج شود را ذکر کرده‌اند.

لازم به ذکر است علل اقتصادی، مالی و تجاری گوناگون و گاه شرایط مندرج در اساسنامه سبب می‌شود که شرکت سهامی اقدام به افزایش سرمایه نماید (افتخاری، ۱۳۸۰، ج ۲، ۱۶۱). گاهی شرکت از نظر مالی موقعیت مناسبی دارد و دارای وضع مالی محکمی است اما در پی گسترش حوزه جغرافیایی و یا افزایش حجم و توسعه فعالیت‌های خود نیازمند به سرمایه جدیدی است. مثلاً شرکتی که به جهت موقعیت مناسبی که در بازار کالا پیدا نموده است، قصد دارد که فعالیت خود را برون مرزی نماید و یا حجم تولیدات خود را افزایش دهد و برای اینکه زیر بار قرض نرود ترجیح می‌دهد سرمایه خود را افزایش دهد (پاسبان، ۱۳۸۹، ۲۴۱) و (اسکینی، ۱۳۸۵، ج ۲، ۲۰۷).

مؤسسان یک شرکت تجاری در ابتدای تأسیس شرکت با توجه به موضوع شرکت و محدوده فعالیتی که مدنظر دارند سرمایه‌ای را به‌عنوان سرمایه اولیه در نظر گرفته و آن را تأمین می‌نمایند اما ممکن است در

۶- ماده ۱۵۸: تأدیه مبلغ اسمی سهام جدید به یکی از طرق زیر امکان‌پذیر است: پرداخت مبلغ اسمی سهم به نقد. تبدیل مطالبات نقدی حال شده اشخاص از شرکت به سهام جدید. انتقال سود تقسیم نشده یا اندوخته یا عواید حاصله از اضافه ارزش سهام جدید به سرمایه شرکت. تبدیل اوراق قرضه به سهام.

۷- ماده ۱۶۹: در شرکت‌های سهامی خاص پس از اتخاذ تصمیم راجع به افزایش سرمایه از طریق انتشار سهام جدید باید مراتب از طریق نشر آگهی در روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی‌های مربوط به شرکت در آن نشر می‌شود به اطلاع صاحبان سهام برسد در این آگهی باید اطلاعات مربوط به مبلغ افزایش سرمایه و مبلغ اسمی سهام جدید و حسب مورد مبلغ اضافه ارزش سهم و تعداد سهامی که هر صاحب سهم به نسبت سهام خود حق تقدم در خرید آن‌ها را دارد و مهلت پذیره‌نویسی و نحوه پرداخت ذکر شود. در صورتی که برای سهام جدید شرایط خاصی در نظر گرفته شده باشد چگونگی این شرایط در آگهی قید خواهد شد.

۸- ماده ۱۷۰: در شرکت‌های سهامی عام پس از اتخاذ تصمیم راجع به افزایش سرمایه از طریق انتشار سهام جدید باید آگهی به نحو مذکور در ماده ۱۶۹ منتشر و در آن قید شود که صاحبان سهام بی‌نام برای دریافت گواهینامه حق خرید سهامی که حق تقدم در خرید آن را دارند ظرف مهلت معین که نباید کمتر از بیست روز باشد به مراکزی که از طرف شرکت تعیین و در آگهی قید شده است مراجعه کنند. برای صاحبان سهام بانام گواهینامه‌های حق خرید باید توسط پست سفارشی ارسال گردد.

گذر زمان آشکار گردد که این سرمایه نمی‌تواند پاسخ‌گوی کامل فعالیت‌های شرکت باشد و نیاز به سرمایه بیشتری احساس می‌شود (کاویانی، ۱۳۸۶، ۱۸۳). شرکت جهت تأمین کسری سرمایه مورد نظر در راستای فعالیت خود اقدام به اخذ وام نموده است و در شرایطی که از نظر مالی در موقعیت مناسبی قرار نداشته، زمان بازپرداخت آن فرا رسیده باشد. در این حالت ممکن است برای امکان تأدیه دیون و جلوگیری از استقراض و افزایش تعهدات شرکت به طلبکاران شرکت پیشنهاد شود که آنچه را تحت عنوان وام به شرکت پرداخته‌اند به‌عنوان آورده به شرکت تلقی شده و در ازای آن سهام دریافت دارند و به این طریق بستانکاران شرکت به شرکای شرکت تبدیل گردند. مزیت این روش این است که شرکت دیگر مجبور نیست بازپرداختی داشته باشد و بدهی‌های شرکت نیز تبدیل به سرمایه شرکت می‌گردد، اما باید توجه داشت که در این صورت موجودی شرکت عملاً افزایش نمی‌یابد (کاویانی، ۱۳۸۶، ۱۸۳).

گاه به دلیل نوسانات اقتصادی کشور، ارزش پول تنزل پیدا می‌کند و همین امر سبب می‌شود که بر روی اعتبارات شرکت نیز تأثیر می‌گذارد و برای جبران این امر نیاز به افزایش سرمایه پیدا شود. ممکن است شرکت سهامی خاص بخواهد به شرکت سهامی عام تبدیل شود، با توجه به اینکه حداقل سرمایه این دو شرکت یکسان نمی‌باشد و این مبلغ در شرکت سهامی عام بیشتر می‌باشد، باید سرمایه خود را افزایش دهد. گاه شرکت دارای ذخایر اختیاری زیادی است، اما ترجیح می‌دهد به جای اینکه آن را بین سهامداران تقسیم نماید، آن را به سرمایه تبدیل کند. ممکن است شرکت به جای گرفتن وام به خاطر فعالیت‌های خود، اجناسی را خریداری نموده باشد و در عوض پرداخت بهای آن، سهم بدهد و یا ممکن است طرز تفکر مدیران شرکت‌ها مبتنی بر این بوده که روش تأمین مالی از طریق افزایش سرمایه بدون هزینه یا کم هزینه است و به همین دلیل برای تأمین منبع مالی خود افزایش سرمایه را برگزینند. هرچند اغلب موارد به اختیار شرکت‌ها است که سرمایه خود را افزایش دهند، اما گاهی شاهد افزایش اجباری سرمایه می‌باشیم. مطابق با ماده ۵ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷، در صورتی که سرمایه شرکت پس از تأسیس به هر علت از حداقل مجاز قانونی که در شرکت‌های سهامی عام پنج میلیون ریال و در شرکت‌های سهامی خاص یک میلیون ریال است کمتر گردد، باید ظرف یک سال نسبت به افزایش سرمایه تا میزان حداقل مجاز قانونی اقدام گردد این نوع افزایش سرمایه اجباری است. همچنین یکی دیگر از موارد افزایش سرمایه اجباری، در رابطه با اوراق قرضه قابل تعویض با سهام است که در این موارد مجمع عمومی فوق‌العاده می‌بایست به پیشنهاد هیئت‌مدیره و گزارش خاص بازرسان

شرکت، مقارن انتشار اوراق قرضه افزایش سرمایه شرکت را حداقل برابر با مبلغ قرضه تصویب نماید (ماده ۶۱ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷).

۲- آثار افزایش سرمایه شرکت‌های سهامی در حقوق امریکا

به دلیل پیشروبودن امریکا در بازار سرمایه، اکثر مشکلاتی که کشورها در تنظیم بازارهای مالی خود با آن مواجه می‌شوند مسائلی بوده که شاید کم و بیش، یک دهه پیش از آن فراروی دست اندرکاران تقنین و اداره بازار مالی امریکا قرار داشته و به آن اندیشیده‌اند، لذا مطالعه حقوق امریکا می‌تواند برای همه حقوق دانان این رشته مفید باشد (صادقی و همکاران، ۱۳۹۹، ۱۸۴). قوانین حاکم بر شرکت‌های سهامی در امریکا شامل قوانین ایالتی، قانون عرفی و قانون موضوعه و قانون فدرال است. شرکت‌های سهامی معمولاً تحت قانون ایالتی می‌باشند که در آن واقع هستند. قانون شرکت‌های سهامی هر ایالت در واقع از قانون نمونه شرکت‌های تجاری سرچشمه می‌گیرد که اولین بار در سال ۱۹۵۰ وضع شد و در سال ۱۹۸۴ تحت عنوان بازمینی قانون نمونه شرکت‌های تجاری مورد تجدیدنظر قرار گرفت. این قوانین توسط بخش شرکت‌های سهامی و بانکداری و تجارت کانون وکلای امریکا پیش‌نویس گردید و تا به حال مکرراً مورد تجدیدنظر قرار گرفته است. قوانین عرفی و موضوعه نقش کمتری نسبت به قوانین ایالتی در قانون‌گذاری شرکت‌های سهامی دارند و بیشتر برای کمک در تفسیر سایر قوانین مربوط به شرکت‌های سهامی استفاده می‌شوند (زرعی، ۱۳۹۶، ۲۶).

ایالات متحده امریکا برخلاف سایر کشورها، در زمینه تشکیل و اداره شرکت‌ها قانون واحدی ندارد و هر ایالتی به صورت مستقل به تنظیم امور شرکت‌های خود می‌پردازد. در این میان قانون نمونه تجاری امریکا نیز برای سایر ایالات الزام‌آور نیست، بلکه در جهت یکسان‌سازی حقوق تجارت این کشور است. ماده ۶. ۲۱ قانون نمونه شرکت‌های تجاری امریکا به بحث افزایش سرمایه در شرکت‌های سهامی پرداخته است. بند الف این ماده، صلاحیت تصمیم‌گیری جهت افزایش سرمایه را در حیطه اختیارات هیئت‌مدیره دانسته است، باین‌حال می‌توان اساسنامه شرکت را به نحوی تنظیم کرد که تصمیم‌گیری جهت افزایش سرمایه بر عهده سهامداران و مجمع عمومی فوق‌العاده باشد، هرچند اصل اولیه این است که فقط هیئت‌مدیره قدرت تصمیم‌گیری جهت افزایش سرمایه را دارد. بند ب ماده فوق، منابع تأمین مالی سهام جدید را مشخص می‌کند، بدین صورت که عوض صدور سهام برای تأمین سرمایه می‌تواند اعم از اموال منقول، اموال غیرمنقول و سود و منفعتی که به شرکت می‌رسد باشد و لزومی ندارد که عوض دریافتی در

قبل صدور سهام پول نقد باشد. قانون‌گذار به صورت مصدافی عمل کرده و مواردی را که به‌عنوان سود حاصله عوض صدور سهام قرار می‌گیرد را ذکر کرده و پول نقد را نیز جزء همین سود دانسته و تحت همین عنوان آورده است. علاوه بر پول نقد، شرکت می‌تواند در قبال دریافت اسناد عندالمطالبه، اوراق بهادار سهام و قرارداد ارائه خدمات به شرکت سهامی جدید صادر کند. طبق ماده فوق حتی صدور سهام در مقابل خدماتی که به شرکت ارائه می‌شود و بالاتر از این شرکت می‌تواند در قبال خدماتی که بنا بر قرارداد در آینده قرار است به شرکت ارائه شود، سهام جدید صادر کند. برخلاف حقوق ایران که صدور سهام در قبال عوض غیرنقدی فقط برای شرکت‌های سهامی خاص ممکن است، در امریکا عوضی که برای صدور سهام دریافت می‌شود از گستردگی بیشتری برخوردار است. در نهایت ذیل بند ب ماده فوق بیان می‌کند که نیازی نیست سهام به حداقل ارزش اسمی صادر شود که خود دلالت بر حذف مفهوم ارزش اسمی از حقوق این کشور می‌کند و امکان دارد سهام جدیدی که صادر می‌شود به ارزشی بالاتر از ارزش اسمی باشد. بند ج ماده فوق یکی از شرایط صدور سهام را بیان می‌کند و آن اینکه هیئت‌مدیره باید پیش از صدور سهام بررسی کند، هر یک از عوض‌هایی که در قبال صدور سهام طبق بند ب دریافت می‌شود برای صدور سهام کافی باشد، تصمیم هیئت‌مدیره در این خصوص در هر صورت قطعی خواهد بود و نمی‌توان به این تصمیم اعتراض کرد. در نهایت طبق بند آخر این ماده عوضی که در قبال صدور سهام از طرف شرکت دریافت می‌شود غیر قابل ارزیابی و تقویم و پرداخت شده است، چراکه شرکت اجازه دریافت چنین عوضی را بنا به تصمیم و اجازه هیئت‌مدیره طبق بندهای پیشین داشته و ارزیابی و تقویم این عوض قبلاً توسط هیئت‌مدیره صورت گرفته است.

در بحث افزایش سرمایه قانون نمونه شرکت‌های تجاری به دنبال اصلاحات سال ۱۹۸۰، مفهوم ارزش اسمی و سرمایه ثبت شده، قانونی یا اظهارشده را نسخ نمود. دلیل چنین رویکردی در حقوق امریکا به سیر سرمایه اولیه و یا همان ثبت شده و ارزش اسمی سهام در حقوق تجارت این کشور برمی‌گردد. در واقع سرمایه ثبت شده برای حفاظت حقوق طلبکاران بوده و شرکت در مقابل مسئولیت محدود و به میزان ارزش سهام دارد. قاعده حفظ یا محدودیت توزیع سرمایه ثبت شده برای حفظ حقوق طلبکاران شرکت از فرسایش سرمایه شکل گرفت. این قاعده موارد زیر را تنظیم می‌کند: حداقل ورودی سرمایه پرداخت شده توسط سهام‌داران برای سهام‌شان، حداکثر خروجی مجاز سرمایه از شرکت به سهام‌داران آن و حداقل میزان سرمایه‌ای که باید در طول حیات شرکت حفظ شود (Tene, 2012, 3). علاوه بر محافظت

طلبکاران سرمایه ثبت شده یا ارزش اسمی، موجب توزیع مساوی حقوق و تعهدات بین سهامداران نیز می‌شود و به این طریق که مقدار سهم‌الشرکه آورده شده توسط هر سهام‌دار به شرکت همان نسبتی را از کل سهم‌الشرکه دارد که توسط همه سهام‌داران به شرکت آورده شده است. قاعده توزیع مساوی به منظور حفظ سهام‌داران موجود از تقلیل دارایی آن‌ها بدون رضایت شان و برای جلوگیری از انتقال دارایی از سهام‌داران موجود به سرمایه‌گذاران جدید، وفق صدور سهام جدید به قیمت تخفیفی مقرر شده است (Manning & Hanks, 1990, 22-24).

یکی از مفسران پیشینه تاریخی قاعده ارزش اسمی را این‌گونه بیان می‌کند که در اوایل قرن هجدهم میلادی دادگاه‌ها در پی این بودند که همه سهام‌داران به‌طور مساوی ارزش هر سهم را پرداخت کنند و وارد شرکت شوند و به دنبال پیدا کردن راهی بودند تا مؤسسان شرکت‌ها را وادار کنند که همانند سایر سهام‌دارانی که سرمایه‌گذاری می‌کنند، اموال واقعی وارد شرکت کنند. برای پایان دادن به این مشکلات دادگاه‌های آن دوره بهای رسمی هر سهم را به‌عنوان ابزاری برای تقویم مقداری که هر سهام‌دار باید بپردازد ابداع کردند. بدین صورت که هر سهم یک ارزش اسمی داشت و به‌عنوان رویه در آن زمان این ارزش برای هر سهم صد دلار بود (Manning, 1985, 63). پس از گذشت حدود یک قرن در سال ۱۸۹۰ دادگاه‌های امریکا رویه خود را در خصوص تقدیس ارزش اسمی سهام عوض کردند. در همین حین بود که دیوان عالی کشور به این تشخیص رسید، شرکت‌هایی که به لحاظ اقتصادی وضع خوبی ندارند و دچار بحران مالی هستند باید بتوانند سهام را به پایین‌تر از ارزش اسمی آن صادر کنند. این دادگاه بیان داشت که چنین امری بهتر از این است که شرکت‌ها در نتیجه فقدان منابع مالی به سهام‌داران یا طلبکاران خود زیان برسانند. در پرونده *Handley v. Stutz* دادگاه حکم داد که به‌طور مکرر برای شرکت‌ها همچون اشخاص معمولی رخ می‌دهد که نیازمند افزایش سرمایه خود به منظور اجرای موفق کسب و کار خود باشند و یکی از روش‌های مورد رجوع آن‌ها صدور سهام سرمایه‌ای جدید و قراردادی آن در بازار است تا بهترین و بالاترین قیمت را کسب کنند و تا زمانی که معامله منصفانه و بر پایه حسن‌نیت است و صرفاً برای پوشش سهام متورم نیست و عوض به‌دست آمده ارزش واقعی سهام سرمایه‌ای را بازتاب می‌دهد، دادگاه‌ها مخالفتی در مقابل این مسئله از خود نشان نمی‌دهند (زرعی، ۱۳۹۶، ۴۹). پیرو حکم دادگاه در این پرونده بود که شرکت‌ها شروع به صدور سهام به زیر ارزش اسمی سهام و یا به ارزش کوچک‌ترین واحد پول امریکا کردند و اوایل قرن نوزدهم میلادی قانون‌گذار این کشور رویه خود را تغییر داد و به شرکت‌ها اجازه داد که در خصوص صدور سهام با

ارزش اسمی ثبت شده یا بدون آن به تصمیم خود اقدام کنند (Macey, 1993, 199). به‌طور کلی در حقوق امریکا بحث افزایش سرمایه در قانون جامع شرکت‌های ایالت دلاور، مهم‌ترین قانون در زمینه شرکت‌ها است، چراکه بر شرکت‌های بسیاری حاکم است. امروزه بیش از پنجاه درصد از تمامی شرکت‌ها یعنی نزدیک به یک میلیون شرکت تجاری در ایالت دلاور دارای اقامتگاه قانونی هستند. علاوه بر تعداد حداکثری شرکت‌ها، در واقع بسیاری از بزرگ‌ترین و مهم‌ترین شرکت‌ها در این ایالت تشکیل می‌شوند. جذابیت این ایالت به‌عنوان مکانی برای تشکیل شرکت تصادفی نبوده است. از زمان تصویب اولین قانون شرکت‌ها در سال ۱۸۹۷، ایالت دلاور یک چهارچوب قانونی آزاد انعطاف‌پذیر ارائه داده است که به سرمایه‌گذاران و تاجران این امکان را می‌دهد که شرکت‌های خود را به کارآمدترین شکل تشکیل دهند (Black, 2007, 1). در مارس سال ۲۰۱۰ در رأی‌گیری که اتاق بازرگانی ایالات متحده امریکا به عمل آورد سیستم قانونی دلاور به‌عنوان بهترین سیستم حقوقی شناخته شد. امروزه حقوق‌دانان در دانشگاه‌ها، قانون شرکت‌های دلاور و قانون نمونه شرکت‌ها را مطالعه می‌کنند. در این ایالت شرکت‌های سهامی به موجب قانون جامع شرکت‌های دلاور تشکیل و اداره می‌شوند. به موجب این قانون حداقلی برای سرمایه شرکت مقرر نشده و شرکت‌ها آزاد هستند که سرمایه خود را متناسب با اهداف و نیازهای خود ایجاد کنند (A. Nolen & A. Yeme, 2011, 20-24).

ماده ۱۵۴ قانون جامع شرکت‌های دلاور در خصوص سرمایه و افزایش آن است. این ماده مقدار سرمایه مازاد و دارایی خالص را تعریف می‌کند. بنا به ماده فوق، مقام تصمیم‌گیرنده برای تعیین و افزایش سرمایه شرکت هیئت‌مدیره است. در واقع براساس یک اصل قدیمی و اساسی حقوق شرکت‌ها در ایالت متحده امریکا اختیار اداره شرکت به هیئت‌مدیره اعطاء شد (Bebchuk, 2005, 9). افزایش سرمایه شرکت از محل دارایی‌های خالص شرکت صورت می‌پذیرد. در واقع با انتقال بخشی از دارایی‌های خالص شرکت به حساب سرمایه شرکت، می‌توان سرمایه شرکت را افزایش داد. میزان سرمایه‌ای که بدین طریق افزایش می‌یابد از طریق سرمایه تعیین شده باید بیشتر باشد. هیئت‌مدیره همچنین می‌تواند تصمیم بگیرد بخشی از دارایی‌های خالص شرکت که به حساب سرمایه منتقل شده تنها در خصوص طبقه یا طبقات خاصی از سهام اعمال شود. در صورتی که پس از افزایش سرمایه از محل دارایی‌های خالص شرکت چیزی اضافه باقی ماند، مازاد تلقی می‌شود. همچنین چگونگی افزایش سرمایه در بخش پایانی ماده ۵۰۶ قانون شرکت‌های تجاری نیویورک بیان شده و ترتیب افزایش سرمایه به همان طریقی است که

در ماده ۱۵۴ قانون شرکت‌های دلاور آمده است. براساس بخش پایانی ماده ۵۰۶ قانون شرکت‌های نیویورک، با انتقال تمام یا بخشی از حساب مازاد شرکت به حساب افزایش سرمایه، سرمایه قانونی افزایش می‌یابد. تصمیم‌گیری در خصوص افزایش سرمایه به عهده هیئت‌مدیره است.

نتیجه

هر شرکت در حال فعالیت برای عرصه اقتصاد و تجارت مجبور به افزایش سرمایه است، یعنی دلایل مختلفی باعث می‌شوند تا شرکت به مصلحت خود ببیند که سرمایه‌اش را افزایش دهد و این امر یکی از راهکارهای تأمین منابع مالی مورد نیاز شرکت‌ها برای اجرای طرح‌های توسعه‌ای یا تولیدی جدید است. مهم‌ترین اهداف ناشی از افزایش سرمایه شرکت‌ها شامل اصلاح ساختار مالی، تأمین سرمایه در گردش، افزایش ثروت سهامداران و افزایش ظرفیت تولید عنوان می‌شود. در حقوق ایران منظور از افزایش سرمایه، افزایش سرمایه اسمی شرکت می‌باشد، یعنی آنچه در اساسنامه شرکت آمده است و در شرکت سهامی هر سهم معرف و نماینده بخشی از آن است و مسئولیت سهامداران در قبال اشخاص ثالث محدود به این مبلغ است؛ یعنی آنچه که وثیقه عمومی طلبکاران است و شرکت موظف است به میزان آن از اموال و دارایی شرکت کنار بگذارد. افزایش سرمایه در شرکت‌های سهامی با توجه به توسعه روزافزون کمی و کیفی شرکت‌های تجاری در عرصه فعالیت‌های تجاری داخلی و بین‌المللی کشورها و نقش مؤثر آن‌ها در تجمع سرمایه‌های خرد جهت نیل به اهداف عمده تجارت از قبیل منفعت و کارایی بیشتر و رقابت در بازارهای اقتصادی اهمیت بسیاری دارد. در حقوق امریکا افزایش سرمایه شرکت از محل دارایی‌های خالص شرکت صورت می‌پذیرد. در واقع با انتقال بخشی از دارایی‌های خالص شرکت به حساب سرمایه شرکت می‌توان سرمایه شرکت را افزایش داد. میزان سرمایه‌ای که بدین طریق افزایش می‌یابد از طریق سرمایه تعیین شده باید بیشتر باشد. هیئت‌مدیره همچنین می‌تواند تصمیم بگیرد بخشی از دارایی‌های خالص شرکت که به حساب سرمایه منتقل شده تنها در خصوص طبقه یا طبقات خاصی از سهام اعمال شود. در صورتی که پس از افزایش سرمایه از محل دارایی‌های خالص شرکت چیزی اضافه باقی ماند، مازاد تلقی می‌شود.

تعارض منافع

تعارض منافع در این مقاله وجود ندارد.

منابع

فارسی

- اسکینی، ربیعا، ۱۳۸۷، **حقوق تجارت شرکت‌های تجاری**، جلد دوم، چاپ نهم، تهران، انتشارات سمت.
- اخلاقی، بهروز؛ عرفانی، محمود؛ مصباح اسکویی، اسماعیل، ۱۳۸۳، **میزگرد راجع به ابعاد حقوقی سرمایه در شرکت سهامی، مجله پژوهش‌های حقوقی**، شماره ۵.
- افتخاری، جواد، ۱۳۸۰، **حقوق شرکت‌های تجاری**، جلد دوم، تهران، انتشارات ققنوس.
- پاسبان، محمدرضا، ۱۳۸۹، **حقوق شرکت‌های تجاری**، چاپ چهارم، تهران، انتشارات سمت.
- جوانمرد، حدیث؛ منصور، فردین؛ وادی زاده، کاظم، ۱۳۹۸، **ارزیابی میزان توفیق شرکت‌ها در دستیابی به اهداف ناشی از افزایش سرمایه، فصلنامه تحقیقات حسابداری و حسابرسی**، شماره ۴۴.
- زرعی، حمیده، ۱۳۹۶، **ماهیت و احکام حق تقدم در افزایش سرمایه شرکت‌های سهامی با مطالعه تطبیقی در حقوق امریکا**، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه خوارزمی.
- ستوده تهرانی، حسن، ۱۳۹۸، **حقوق تجارت**، جلد دوم، چاپ بیست و ششم، تهران، نشر دادگستر.
- شهرآبادی، ابوالفضل و بشیری، ندا، ۱۳۸۹، **مدیریت سرمایه‌گذاری در بورس اوراق بهادار تهران**، چاپ اول، تهران، انتشارات اطلاع‌رسانی و خدمات بورس.
- صادقی، حسین؛ زرعی، حمیده؛ ناصر، مهدی، ۱۳۹۹، **مبانی و منابع حق تقدم ناشی از افزایش سرمایه سهامداران (با مطالعه تطبیقی در حقوق ایران، امریکا و فقه امامیه)**، **فصلنامه مبانی فقهی حقوق اسلامی**، شماره ۲۵.
- صقری، محمد، ۱۳۹۳، **حقوق بازرگانی شرکت‌ها: تأسیس، تبدیل، ادغام، انحلال**، چاپ دوم، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- عرفانی، محمود، ۱۳۸۷، **حقوق تجارت**، جلد دوم، چاپ دوم، تهران، انتشارات جنگل.
- کاویانی، کوروش، ۱۳۸۶، **حقوق شرکت‌های تجاری**، چاپ اول، تهران، انتشارات میزان.

لاتین

- A. Bebchuk, Lucian, The Case for Increasing Shareholder Power, **Harvard Law Review**, Vol 118, No. 3, 2005.
- A. Nolen, Samuel, William A. Yeme, **Delware and Program Affecting Business**, Third

- Edition, Wilmington, Delawer, Richard Layton & Finger, 2011
- Black. Jr, Lewis. S, **Why Corporations Choose Delaware**, Delaware Department of State, 2007.
 - Manning, bayless, **Assets In and Assets Out**, foundation press, 1985
 - Manning, Byless & Hanks. Jr, James, **Legal Capital**, Foundation Press, 1990
 - R. Macey, Jonathan, **Corporate Law and Corporate Governance: A Contractual Perspective**, Yale Law School, 1993
 - Tene, Omer, Stated Capital Rules in French Security Offerings, **Pace Law Review**, Vol 6, No 4, 2012

قوانین

- قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱
- لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷
- قانون نمونه شرکت‌های تجاری امریکا
- قانون شرکت‌های دلاور
- قانون شرکت‌های تجاری نیویورک

Legal Civilization

No.10-Spring 2022

- Civil liability of the Official expert of the Judiciary in Iranian and French Law with Emphasis on Judicial Procedure - **Hasan Badini, Sepideh Razi, Mohamad Mehdi-pour**
- Saadi Shirazi's Compatibilities with the Teachings of Modern Public Law **Majid Najjarzadeh Hanjani**
- Criminal Protection of the Right to the Environment **SHima Naderi, Majid Motallebi**
- The Role of Civic Society in Citizenship Rights' Establishment **Farzaneh Dashti, Abdolkarim SHAheydar**
- The Effects of Increasing the Capital of Joint Stock Companies in Iranian and American Law **Afshin Mojahed**
- Judicial Challenges in Combating Environmental Crimes in Iranian Criminal Law **Esmaeil Kashkoulain, Abass Sheikh-holeslami**
- International Aviation Law Approach to Liability for Corona Virus Transmission in Aviation **Yeganeh Sadat Safavi**
- Effects of Government Contracts on Iranian and British Law **Mohammad Reza Burbur**
- Mediation, Participatory Justice System, third Generation Criminal Justice System and Litigation Rights - **Sadegh Fetili, Sayyed Mohammad Salehi**
- Value and Validity of Expert Theory in Iranian and French Law **Sayyed Jafar Hashemi Bajegani, Maisam Sobhani**
- Environmental Policy Approach in Reducing Risks; Strategies and Approaches **Zahra Tallieolia, Davud Khorramdel**
- Efficient Jurisprudential Rules in the Responsibility of Wasting People's Time **Hamid Soleymani, Rahime Abbasi - Bonari**
- the Role of UN Agencies in Preventing Environmental Pollution from Waste as Global Biosecurity **Rostam Ali Akbari, - Sayyed Mehdi Mousavi**
- Fundamentals of Correcting Non-Common Contracts in the Era of Legislation by Relying on Religious Rerms and Generalities **Sayyed Alireza Amin**
- New Reproductive-Biological Technologies and Child Rights: An Introduction to the Future of Childhood in Iran - **Maryam SHA'ban**
- Pathology of Determining the Punishment in Family Crimes in Fifth Book of the Islamic Penal Code (Tazirat) Approved in 1996; From Explaining the Damage to Providing Solutions **Mahdi Mozafari Anari, Mohammad Amini Zadeh, Ali Arefi Maskoni**
- The Principle of Correctness in Transactions with Emphasis on the Possibility of its Flow in Legal Doubts **Maedeh - Chini Saz, Omid Mohammadi, Ghasem Shaabani**
- About the Theory of Invalidity of Preliminary Investigations in the Iranian Criminal Proceedings (According to the Code of Criminal Procedure Approved in 2014) **Masoud Fadaei Dehcheshmeh, Amir Soleimani, Homeira Taheri**
- A Reflection on the Law Governing the Contractual Obligations of the Insurance Contract in Iranian and American Law - **Farzad Karami kolmoti, Hamed Babaei**
- Investigating the Establishment of Bailment in the British and American Legal Systems and its Application to the Trust - Institution in Iranian Law **Nastaran Arzainan, Mahsasadat Nabavi**
- Criteria for Separating the Crime of Kidnapping from Similar Crimes in the Iranian Penal System **Ahmadreza - Emtehani, Javad Naderi ooj Boghzi, Ali Paidarfard**
- An Introduction to the Principles and Obstacles of Extradition in International Law **Reza Alipanah**
- Corona Virus Effects on Juvenile Delinquency with Respect to USA Law **Peyman Dolatkah Pashaki**
- Manifestations of Change in the Differential Criminal Policy of the Crimes of the Armed Forces of Iran and the United - States of America by the Method of Impunity and Decriminalization **Yasser SHakeri, Alireza Salehi, GHolam Hosein Rezaei**